

تحلیل موانع اجتماعی - فرهنگی اجرای عدالت ترمیمی در استان اصفهان

تاریخ پذیرش: 1399/03/03

تاریخ دریافت: 1399/01/28

رحمان سنگانه¹، عباس زراعت²، محمد گنجی³، قدرت الله خسروشاهی⁴

از صفحه 77 تا 100

چکیده

زمینه و هدف: اجرای مطلوب عدالت ترمیمی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تکرار جرم و افزایش امنیت اجتماعی داشته باشد. کارایی تدابیر پیش‌بینی شده عدالت ترمیمی نیازمند زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی است. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر شناسایی موانع اجتماعی، فرهنگی اجرای عدالت ترمیمی در استان اصفهان است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی می‌باشد. داده‌ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج‌گانه لیکرد جمع‌آوری شده است. اعتبار تحقیق از نوع سازه و صوری و روایی هریک از مفاهیم مورد بررسی از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. نمونه‌گیری با روش سهمیه‌ای متناسب با جامعه آماری ضابطان و مقامات قضایی دادسرا و دادگاه استان اصفهان و براساس فرمول کوکران، شامل 359 نفر می‌باشد. داده‌های پژوهش با استفاده از توزیع فراوانی، درصد نسبی و میانگین توصیف و پس از آزمون نرمالیت کولموگروف-اسمیرنوف از طریق آزمون‌های ناپارامتریک (کراسکال والیس، همبستگی پیرسون) تحلیل شده است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های توصیفی، میانگین نگرش ضابطان، قضات دادسرا و قضات دادگاه به میزان اجرای عدالت ترمیمی در دامنه 1-5 به ترتیب 3/28، 2/94 و 2/75 می‌باشد. از طرفی میانگین موانع اجتماعی در بین آنها در دامنه 1-4، به ترتیب 3/10، 2/38 و 2/89 و میانگین موانع فرهنگی در بین آنها در دامنه 1-4، 2/63 و 2/77 بوده است. به عبارتی با وجود نگرش متوسط نسبت به اجرای عدالت ترمیمی، موانع اجتماعی و فرهنگی اجرای آن در بین پاسخگویان تاحدی بیشتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین براساس یافته‌های تحلیلی، قضات جوان‌تر دادسرا و ضابطان آگاه به آیین دادرسی کیفری، نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی دارند. **نتیجه‌گیری:** هرچه موانع اجتماعی و فرهنگی ضابطان بیشتر شود، نگرش آنان به اجرای عدالت ترمیمی منفی‌تر می‌شود. از نظر قضات دادگاه با افزایش موانع اجتماعی، اجرای عدالت ترمیمی کاهش می‌یابد و در نهایت کمبود آموزش‌های لازم به قضات دادسرا نگرش آنان به اجرای عدالت ترمیمی را منفی‌تر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عدالت ترمیمی، بزه‌دیده، امنیت اجتماعی، جبران خسارت، پیشگیری.

- 1- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. نراق. ایران - عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. نراق. ایران. رایانامه: sanganeh59@mihanmail.ir
- 2- استاد تمام گروه حقوق دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). رایانامه: zeraat@kashanu.ac.ir
- 3- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان. رایانامه: m.ganji@kashanu.ac.ir
- 4- استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان. رایانامه: ghkho44@yahoo.com

عدالت ترمیمی رهیافت جدیدی در احیای حقوق بزه‌دیده و اصلاح بزه‌کار است. عدالت ترمیمی با توجه به تعاریف آن دارای ویژگی‌هایی است: مشارکت کامل و اتفاق نظر؛ بهبودبخشی آنچه نقض شده؛ ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم؛ بازگرداندن وحدت و هماهنگی آنچه در اثر جرم گسسته شده و تقویت جامعه محلی برای پیشگیری از زیان جرم در آینده است (رحیمی نژاد و همکاران، 1394: 85). برخی از این ویژگی‌ها در ایجاد امنیت فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. برابر تعریف سازمان ملل، امنیت فردی به مفهوم در امان بودن جسم و جان افراد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی است. در نخستین نظریه‌های امنیتی، امنیت به مفهوم نبود تهدید است (سام آرام و همکاران، 1397: 85). گیدنز¹، آن را صیانت از هنجارهای جامعه در برابر هرگونه آثار جرم، آسیب‌های اجتماعی و کج‌رفتاری می‌داند (گیدنز، 1399: 286).

یکی از موضوعاتی که در اثر ارتکاب جرم نقض شده امنیت و احساس امنیت بزه‌دیده است و برنامه‌های عدالت ترمیمی، امنیت اجتماعی در بُعد عینی و ذهنی را تقویت می‌کند. اجرای مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی منجر به پیشگیری از تکرار جرم می‌شود. بزه‌کار در فرایندهای ترمیمی احساس احترام به خود را حس می‌کند و با شرم ناشی از ارتکاب بزه و ملاحظه احترام دیگران به او، در مسیر بازاجتماعی شدن قرار می‌گیرد (رحیمی نژاد و همکاران، 1394: 88). بزه‌کار به همان اندازه که دچار شرمساری بیشتر می‌شود به همان میزان مرتکب تکرار جرم کمتر خواهد شد (غلامی، 1398: 102). برنامه‌های عدالت ترمیمی با نشست‌های گروهی و مشارکتی توسط بزه‌دیده و جامعه محلی، ضمن جبران خسارت و التیام بزه‌دیده، منجر به تقویت اقدامات پیشگیرانه محلی و افزایش وحدت و هماهنگی در جامعه می‌شود و از این رهگذر، امنیت فردی و اجتماعی بزه‌دیده و افراد جامعه تأمین می‌شود. جبران خسارت و التیام بزه‌دیده، احساس امنیت مخدوش شده وی را باز می‌گرداند و خشم و انگیزه انتقام‌جویانه بزه‌دیده را از بین می‌برد، ضمن اینکه بزه‌کار دوباره به هنجارها و قانون پایبند می‌شود. پایبندی افراد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مورد پذیرش در هر جامعه‌ای یکی از عوامل اساسی در تضمین امنیت اجتماعی می‌باشد (سام آرام و همکاران، 1397: 87).

1- Giddens

برنامه‌های عدالت ترمیمی ممکن است بصورت رسمی و غیررسمی اجرایی شود. در ایران، زمینه‌های رسمی اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در مراحل مختلف قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. مواد 37 تا 39، پذیرش فوری شکایت بزه‌دیده، ارائه خدمات مشاوره‌ای و توجه به ضررهای وارده بزه‌دیده توسط ضابطان را مورد توجه قرار داده است. در مواد 66، 79، 82 تسهیل زمینه شکایت بزه‌دیده و مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی و میانجی‌گری کیفری را توسط قضات تحقیق پیش‌بینی شده است و در مواد 14 و 538 و موادی دیگر، جبران انواع خسارت بزه‌دیده، رسیدگی به دعوای ضرر و زیان و تسهیل شرایط جبران خسارت وی توسط قضات رسیدگی‌کننده لحاظ شده است. با این وصف، هنوز زمینه‌های عدالت ترمیمی که در برخی مواد قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است اجرایی نشده است و شواهد و قرائنی در وجود مشکل برای اجرای آنها وجود دارد.

عدم تشکیل کیفی و کمی سازمان‌های مردم‌نهاد حمایت از بزه‌دیدگان (ماده 66) مستند به آمار وزارت کشور، عدم تشکیل و ساماندهی موسسات میانجی‌گری کیفری (ماده 82) و ارجاع میانجی‌گری به سازمان بهزیستی و شورای حل اختلاف، عدم صدور آرای کیفی و کمی در زمینه جبران خسارت معنوی و ممکن‌الحصول بزه‌دیده، از جمله این شواهد است. در مجموع، بررسی‌های میدانی و مطالعات انجام شده، مؤید عدم تغییرات محسوس اجرای عدالت ترمیمی بعد از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و در نتیجه رضایت بزه‌دیدگان دارد. از آنجا که برنامه‌های عدالت ترمیمی منشاء اجتماعی و فرهنگی دارد، مشکلات در اجرا می‌تواند ناظر به موانع اجتماعی و فرهنگی باشد و تحلیل این موانع، می‌تواند راهگشای مناسبی برای اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری قرار گیرد.

جستار حاضر با تحلیل موانع فرهنگی اجتماعی اجرای عدالت ترمیمی بدنبال دو هدف شناسایی موانع اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری و تعیین عوامل مؤثر بر اجرای آن می‌باشد، لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که موانع عوامل اجتماعی - فرهنگی اجرای عدالت ترمیمی در استان اصفهان کدام است؟

عدالت ترمیمی¹

برخی رویکردهای جامعه‌شناختی بطور مستقیم و برخی دیگر، غیرمستقیم اهداف و کارکردهای عدالت ترمیمی را مورد توجه قرار داده‌اند. دورکیم² حقوق تنبیهی را مختص جوامع دارای همبستگی مکانیکی می‌داند، اما حقوق ترمیمی مخصوص جوامع دارای تقسیم‌بندی اجتماعی است که در آن وقوع هر نوع جرم و بزهکاری نه با تنبیه کردن افراد، بلکه با فرایند حقوق ترمیمی و با هدف بازگرداندن انتظام امور بر مدار عدالت پاسخ داده می‌شود (آرون³، 1396: 24). به زعم هوارد زهر، عدالت ترمیمی نوعی از عدالت مبتنی بر «جبران» است؛ به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود تا آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن، خواه بصورت کامل یا به‌گونه‌ای نمادین، ترمیم شود (زهر⁴، 1388: 34). بریث ویت بر این باور است که عدالت ترمیمی مبتنی بر نظریه شرمساری بازگرداننده بیش از شیوه‌های موجود در عدالت کیفری به کاهش جرم می‌انجامد (بریث ویت⁵، 1385: 527). در این مفاهیم از عدالت ترمیمی، اشاره‌ای به اجرای رسمی و غیر رسمی برنامه‌های عدالت ترمیمی نشده است اما این مفاهیم بدون ضمانت اجراهای قانونی و رسمی، قابلیت اجرای مطلوبی نخواهند داشت.

زمینه‌های اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری تدابیری در زمینه جبران خسارت و التیام بزه‌دیده به عنوان تدابیر رسمی، در مرحله قبل از شروع به تحقیقات، مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله رسیدگی، توسط مجریان پیش‌بینی نموده است. تسهیل زمینه طرح شکایت و دادخواهی که در ماده 37 و 69 قانون آیین دادرسی، التیام بزه‌دیده و تسهیل جبران خسارت وی، پشیمانی فوری بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم را بدنبال دارد. کمبود نیروی انسانی، وجود مواد معارض (ماده 43 و 44) که امکان تعقیب مرتکب را به وقت اداری موکول می‌نماید، اجرای آن را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. ماده 38 قانون آیین

1- Restorative Justice

2- Durkheim

3- Aron

4- Zehr

5- Braithwaite

دادرسی کیفری، ضابطان را مکلف به آگاهی بزه‌دیده از حق جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای نموده است. کمبود دانش و مهارت ضابطان در زمینه مسائل حقوقی و عدم کارایی مشاوران و مددکاران کلانتری‌ها به جهت بکارگیری در امور پیشگیری وضعی و متفرقه، موانعی در اجرای این مقررہ ایجاد می‌نماید.

ماده 62 قانون آیین دادرسی کیفری، تحمیل هزینه‌های تعقیب و تحقیق توسط ضابطان را بر بزه‌دیده ممنوع ساخته است. با این وصف، پیچیدگی برخی جرائم، جابجایی مرتکبین، عدم وجود ابزارهای مناسب علمی کشف جرم در کنار کمبود اعتبارات سازمانی، بزه‌دیده را مجبور می‌کند تا برای تسهیل و سرعت به رسیدگی به امور تعقیب و تحقیق هزینه‌هایی متحمل شود. ماده 39 قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان را مکلف به درج ضرر و زیان بزه‌دیده در گزارش ارسالی به دادسرا می‌کند در حالی که درخواست بزه‌دیده بطور معمول در برگ تحقیق و گزارش ارسالی به مراجع قضایی انعکاس می‌یابد. به نظر می‌رسد قید این ماده، ناظر به مواردی است که بزه‌دیده میزان خسارت و درخواست جبران آن را ذکر نمی‌کند که البته، نیازمند ضابطان خبره و کارشناس می‌باشد. ماده 82 قانون آیین دادرسی کیفری، میانجی‌گری کیفری را برای حصول گذشت و جبران خسارت بزه‌دیده پیش‌بینی نموده است. ماده 79 و 283 این قانون، گذشت و رضایت بزه‌دیده را از جمله شروط ترک تعقیب و عدول از کیفرخواست قرار داده است و تبصره 2 ماده 183، جلب و دستگیری متهم با همکاری بزه‌دیده را تجویز نموده است. عدم فرهنگ‌سازی عمومی و تغییر نگرش مجریان، اجرای این نوآوری‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد و منجر به طفره رفتن مجریان می‌شود. ارجاع میانجی‌گری به سازمان بهزیستی یا شورای حل اختلاف، پیش‌بینی آیین‌نامه سختگیرانه تشکیل موسسات میانجی‌گری کیفری، عدم استقبال در تشکیل و مراجعه، از شواهد نگرش منفی مجریان و افراد به این موضوع است.

ماده 99 قانون آیین دادرسی کیفری موردی را پیش‌بینی نموده است که بازپرس هنگام کشف جرائم دیگر در زمان تحقیق، بزه‌دیده مرتبط با آن را آگاه نماید تا نسبت به اعلام شکایت و درخواست تعقیب و جبران خسارت اقدام نماید. تورم کیفری و نگرش منفی مسئولان قضایی به این موضوع، عدم دسترسی و شناسایی بزه‌دیده به جهت اطلاعات ناقص یا جابجایی متعدد در این زمینه، چالش برانگیز است. اولویت یافتن

خسارت بزه‌دیده از محل تأمین متهم (ماده 538)، تأثیر میزان خسارت بزه‌دیده در صدور قرارهای تأمینی، وجه التزام، کفالت و وثیقه (مواد 217 و 219) و همچنین پیش‌بینی اعتراض بزه‌دیده به قرارهای نهایی دادسرا (ماده 270)، از زمینه‌های عدالت ترمیمی در راستای جبران خسارت بزه‌دیده می‌باشد. کمبود نیروی انسانی اداری و قضایی و عدم مهارت و دانش قضات دادسرا به امور حقوقی، ممکن است اجرای این مقررات را با موانعی مواجه سازد. جبران خسارت بزه‌دیدگان و اجرای فرایند عدالت ترمیمی در مورد بزه‌دیدگان فاقد شنوایی و لال و نیز افرادی که با زبان دادگاه آشنا نیستند، دشوار است و از این رو، در ماده 200 و 201 قانون آیین دادرسی کیفری قرار دادن کارشناس و مترجم برای این افراد را پیش‌بینی نموده است که البته نیازمند جذب کارشناس، مترجم و اعتبارات اختصاصی است.

مرحله صدور حکم برآیند و نتیجه تمامی تلاش‌ها و اقدامات انجام گرفته در نهادهای تعقیب و مجری قانون است. ماده 107 آیین دادرسی کیفری امکان طرح به دعوی ضرر و زیان بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در مرحله صدور رای را پیش‌بینی نموده است. با این وصف، این موضوع نیازمند مهارت و تخصص قضات کیفری به امور مدنی و همچنین نیروی اداری و قضایی کمی و کیفی است. ماده 14 قانون آیین دادرسی کیفری امکان جبران ضررهای مادی، معنوی و ممکن‌الحصول را پیش‌بینی نموده است که نیازمند آیین‌نامه و شیوه‌نامه متمرکز، فرهنگ‌سازی، آموزش و تغییر نگرش مقامات رسیدگی است. امکان تجدیدنظر خواهی بزه‌دیده (ماده 433)، امکان درخواست بزه‌دیده برای تناسب قرار تأمین با زیان وارده در مرحله تجدیدنظر (ماده 456) و امکان تخفیف مجازات متهم با رضایت بزه‌دیده در مرحله تجدیدنظر (ماده 483)، از زمینه‌های اجرای عدالت ترمیمی در راستای جبران خسارت بزه‌دیده ارزیابی می‌شود. با این وصف، افزایش موارد تجدیدنظر خواهی با کمبود قضات باتجربه و متخصص و همچنین کادر اداری کمی و کیفی مواجه است، چه اینکه قضات این مرحله دارای کهنولت سن بوده و توان رسیدگی مطلوب و کیفی به حجم زیاد موارد تجدیدنظر را ندارند.

نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، سیاست و اقتصاد، در اجرای مطلوب عدالت ترمیمی نقش دارند. ایجاد مکانیسم صلح و سازش در خانواده، تربیت و آموزش افراد جامعه با روحیات صلح طلبانه، اتخاذ سیاست‌های همسو با عدالت ترمیمی و بهبود شرایط اقتصادی، از جمله کارکردهای این نهادها در اجرای عدالت ترمیمی است.

دیدگاه برچسب‌زنی با این فرض که جرم و رفتار مجرمانه یک روند اجتماعی می‌باشد، آغاز شده است. تأکید اصلی این نظریه در مورد طبیعت و ماهیت رفتار متقابل یا کنش و واکنش بین بزه‌کار و هم‌چنین مقامات قضایی می‌باشد. هر آنچه که به عنوان جرم به حساب می‌آید، در واقعیت امر، به وسیله عملکرد و فعالیت‌های نظام عدالت کیفری و مأموران آن، تصمیم‌گیری می‌شود (وایت و هینس²، 1387: 123). مجریان به دلیل ماهیت شغل خود، همواره در معرض مشاهده رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون افرادی بزه‌کار می‌باشند و استمرار آن، نگرش به مجرمیت متهم در ایشان ایجاد می‌کند. فرایند عدالت ترمیمی، امکان برچسب‌زنی را به حداقل کاهش داده و چه بسا متهم، مجدد در فرایند جامعه‌پذیری قرار گرفته و دیگر مرتکب اعمال مجرمانه نشود. نگرش مجریان به مجرمیت متهمان ایجاب می‌کند تا مجریان از اقداماتی که منجر به کیفرزدایی شود، جلوگیری کنند. از این رو، ممکن است اطلاع‌رسانی حقوق به بزه‌دیده و متهم، ارائه خدمات مشاوره‌ای، اعلام خسارت و زیان بزه‌دیده و استفاده از میانجی‌گری کیفری تحت تأثیر قرار گیرد.

تئوری فشار یک نوع از تئوری‌های ساختار اجتماعی است که مدعی است جرم تابعی از تضاد بین اهداف مردم و ابزارهایی است که آن‌ها می‌توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آن‌ها استفاده کنند. مرتن³ این فشار را ناشی از عدم توانایی شخصی در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. کوهن⁴ ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار می‌داند، کلوارد و اوهلین⁵ عدم برخورداری اشخاص از

1- Social Barriers

2- White & Hains

3- Merton

4- Cohen

5- Cloward & Ohlin

فرصت‌های مشروع برای نیل به اهداف را وارد کننده فشار و موجب راندن آنان به کج‌رفتاری می‌دانند (صدیق سروستانی، 1398: 3). عدم تناسب زمینه‌های رسمی اجرای عدالت ترمیمی با ابزار رسیدن به آن، فشار مضاعفی بر مجریان ایجاد می‌نماید و ممکن است آنان به جهت کاستن از این فشار، از اجرای آن به بهانه‌های مختلف خودداری نمایند و با تعریف هدف‌های جایگزین، به رویکرد امنیت مدار گرایش پیدا نمایند. عدم وجود ساختار متناسب با تشکیل موسسات میانجی‌گری کیفی، عدم تأسیس مراکز مشاوره و مددکاری رایگان، کمبود معاضدت و مساعدت‌های حقوقی، عدم وجود مترجم و کارشناس زبان، عدم تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در زمینه حقوقی و مواردی دیگر، موجبات ایجاد فشار بر مجریان عدالت ترمیمی شده و گرایش مجریان عدالت ترمیمی به رویکرد امنیت مدار را تقویت می‌نماید.

مواع فرهنگی¹

فرهنگ بزرگ‌ترین نیاز جامعه بشری و عامل اصلی پویایی، نشاط و تداوم حیات و جوامع است. عناصر فرهنگ شامل آداب و رسوم، پندار و باورها، علم و دانش، مذهب و عقاید عمومی می‌باشد که هر کدام می‌تواند در اجرای عدالت تأثیر داشته باشد. همسویی زمینه‌های رسمی عدالت ترمیمی با آداب و رسوم، اعتقادات عمومی و مجریان، توجه به آموزه‌های مذهبی، توسعه دانش و علم اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، از کارکردهای این نهادها در اجرای برنامه‌های رسمی عدالت ترمیمی است.

در نظریه تأخر فرهنگی² بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر زیرساخت یا فنون و ابزارهای مادی، زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمان‌های اجتماعی دگرگون می‌شوند. بدین‌سان در درون یک فرهنگ، اجزا از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند (ساروخانی، 1380: 173). میانجی‌گری، تأمین امنیت بزه‌دیده، پذیرش همه وقت شکایات، قید ضرر و زیان در گزارش مجریان، پیش‌بینی جبران خسارت در فرایند کیفی و همچنین قابل جبران بودن ضررهای مادی و معنوی، از جمله مواردی است که در قانون آیین دادرسی کیفی پیش‌بینی شده در حالی که فرهنگ معنوی آن ایجاد نشده است.

1- Cultural Barriers
2- Cultural Lag

اشاعه فرهنگی بطور معمول به تأثیر فرهنگ‌ها بر یکدیگر اشاره دارد. سنت‌ها، اعتقادات، روش‌ها، قصه‌های عامیانه، ابزار و امور زینتی و غیره ممکن است از جامعه یا فرهنگی به سایر جوامع اشاعه یابد و در آن رواج پیدا کند (آشوری، 1397: 96). اشاعه فرهنگی شامل اشاعه مستقیم¹، اشاعه اجباری² و اشاعه غیر مستقیم³ می‌شود (صالحی امیری، 1395: 43). تقلید برنامه‌های عدالت ترمیمی از فرهنگ غیربومی بدون توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، می‌تواند موانعی در اجرای آن ایجاد نماید. چنانچه، میانجی‌گری کیفی در حالی که فرهنگ بومی صلح سازش بزرگان وجود دارد، مقاومت در اجرای آن توسط مجریان و شهروندان را بدنبال دارد و چه بسا با فرهنگ بومی مجریان در تضاد باشد.

سرمایه فرهنگی به زعم بوردیو به سه شکل 1- سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این شکل از سرمایه فرهنگی توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده و در او تثبیت گردیده‌اند؛ 2- سرمایه فرهنگی عینیت یافته: منظور از آن کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری است؛ 3- سرمایه فرهنگی نهادینه شده: این شکل از سرمایه فرهنگی نیز مواردی مثل صلاحیت‌های تحصیلی را در بر می‌گیرد که به دارنده‌ی آنها هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی ارزش اجتماعی و تعریف شده می‌دهد (بوردیو⁴، 1977: 42). عدم وجود سرمایه تجسم یافته مانند مهارت و توانایی ذاتی و اکتسابی مأموران اجرایی، موجبات بدرفتاری و بزه‌دیدگی ثانویه را فراهم می‌سازد. عدم وجود سرمایه فرهنگی نهادینه شده مانند گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی توسط ضابطان، مقامات قضایی و تحصیل کارت ضابطیت یا مدارک طی دوره‌های تخصصی، می‌تواند فرایند اجرای عدالت ترمیمی را در دست افرادی غیرمتخصص و ناآشنا قرار داده که با اعمال سلیقه، مسیر اجرای صحیح عدالت ترمیمی را منحرف سازند.

نتایج تحقیقات انجام شده، بیانگر این واقعیت است که بین عوامل مختلف با اجرای عدالت ترمیمی، رابطه وجود دارد. سلیمی، دیانت و سیاح البرزی (1398) در پژوهش با عنوان «ارزیابی عملکرد پلیس در تحقق عدالت ترمیمی با محوریت مشاوره و

1- Direct Diffusion
2- Forced Diffusion
3- Indirect Diffusion
4- Bourdieou

مددکاری»، نتیجه گرفتند مشاوران زن و مرد پلیس در تحقق عدالت ترمیمی (صلح و سازش) موفق بوده‌اند و عملکرد مشاوران زن بهتر از مشاوران مرد بوده است. سنگانه و همکاران (1397) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تکالیف پلیس نسبت به عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری»، نتیجه گرفتند ضابطان بطور مستقیم و غیرمستقیم در تحقق عدالت ترمیمی نقش دارند اما مشکلات تقنینی، زیرساختی، فرهنگی و سازمانی مانع اجرای مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی است. مقدسی، میرزایی و غنی (1397) در پژوهش با عنوان «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران»، نتیجه گرفتند تحقق اهداف عدالت ترمیمی نیازمند کنشگران آگاه از مبانی و اهداف عدالت ترمیمی و معتقد به اصول آن است و موفقیت پلیس در عدالت ترمیمی مستلزم تغییر نگرش و ساختار آنان است. درویشی و میرزاخان‌ی (1397) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اقدامات ترمیمی پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم با نقش میانجی اعتمادسازی»، نتیجه گرفتند عدالت ترمیمی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر پیشگیری اجتماعی دارد که نیاز است علاوه بر تقویت این برنامه‌ها، متغیر اعتمادسازی بازنگری و تقویت شود. ابراهیمی، کلانتری و صفری کاکرودی (1397) در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش پلیس در شرمساری پیشگیرانه از تکرار جرم»، به این نتیجه رسیدند که عدالت ترمیمی با افزوده شدن به رویکرد جامعه‌محور پلیس و با روش‌های میانجی‌گری، نشست و مشارکت با جامعه، قرار دادن بزهکار و بزه‌دیده در کنار یکدیگر، می‌تواند مسئولیت‌پذیری و شرمساری بازپذیرکننده ایجاد و از تکرار جرم توسط بزهکار پیشگیری نماید. نجفی و همکاران (1397) در پژوهشی با عنوان «عدالت ترمیمی در پرتو مسئولیت مدنی ضابطین»، دریافته‌اند رویه قضایی فعلی ایران کارایی چندانی در زمینه عدالت ترمیمی نداشته هرچند در شوراها حل اختلاف به خوبی از این نهاد استفاده می‌شود. مهدی‌زاده پایدار و عظیم‌زاده (1396) در پژوهشی با عنوان «بایسته‌های میانجی‌گری کیفری در بوته سیاست تقنینی نوین ایران با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌ی میانجی‌گری کیفری» به این نتیجه رسیدند که اجرای نهادهای ترمیمی قانون آیین دادرسی کیفری از جمله میانجی‌گری کیفری، منجر به رسیدگی سریع به پرونده‌ها، کاهش حجم آنها، اجرای بهتر عدالت، کاهش خسارات ناشی از جرم و بازاجتماعی شدن بزهکاران شود. بارانی (1396) در پژوهش با عنوان

«پلیس و میانجی‌گری کیفری مورد مطالعه کلاتری‌های تهران»، نتیجه گرفت پلیس علی‌رغم نداشتن اختیارات قانونی مکفی، نداشتن ساختار و سازمان مناسب، آموزش‌های نوین و شیوه‌نامه اجرایی، با دانش تجربی خود به میانجی‌گری پرداخته و نیاز به تقویت تقنینی، اجرایی و آموزشی دارد. فرهنگد و آقایینیا (1395) در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفری در قانون مجازات اسلامی»، دریافتند نهادهای چهارگانه سقوط کیفر علاوه بر اصلاح بزهکار، سعی در رعایت حقوق بزه‌دیده و اجرای عدالت ترمیمی دارد منوط به این‌که توسط مقامات قضایی پذیرفته شود.

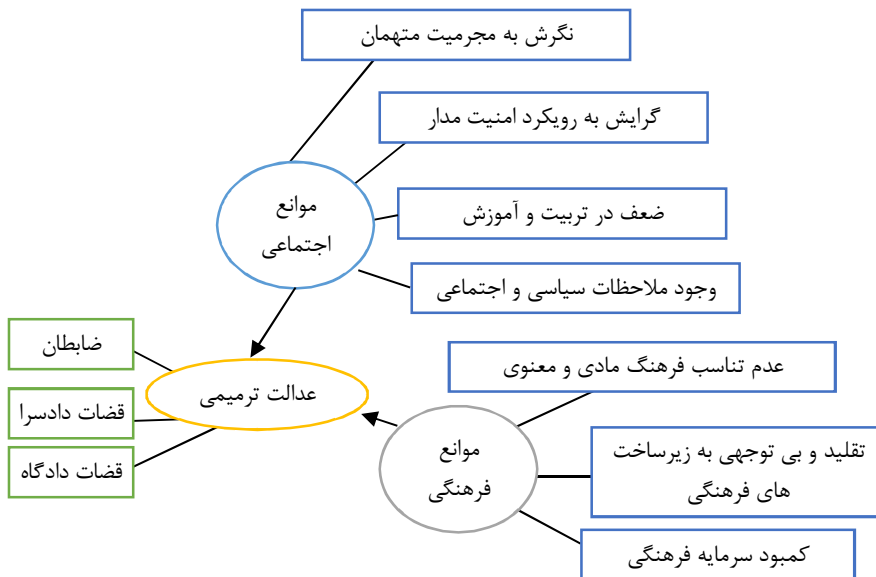
ویتولت¹ و همکاران (2008) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات روانشناختی- فیزیولوژیکی نتایج حاصل از عدالت ترمیمی و عدالت سزادهنده»، دریافتند عدالت ترمیمی در مقایسه با عدالت سزادهنده واکنش‌های مثبت را بیشتر در فرد بوجود آورده و حس انتقام‌جویی و عصبانیت را کاهش می‌دهد. برگس و بوفارد² (2007) در پژوهش با عنوان «تأثیر طولانی مدت برنامه‌های عدالت ترمیمی بر بزهکاران جوان»، نتیجه گرفتند عدالت ترمیمی کارکردهای بهتری بر نتایج طولانی مدت تکرار جرم، احتمال وقوع جرم، تعداد آنها و جدی بودن رفتارهای بعدی در جرم نسبت به فرایند عدالت کیفری دارند.

اغلب پژوهش‌های انجام شده به برنامه‌های کلی عدالت ترمیمی بخصوص در موضوع میانجی‌گری و صلح و سازش اشاره داشته‌اند، در حالی که این پژوهش علاوه بر این، به سایر زمینه‌های رسمی اجرای عدالت ترمیمی اشاره دارد. عدالت ترمیمی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دارد و بدیهی است که مشکلات فرهنگی و اجتماعی، بر اجرای عدالت ترمیمی تأثیرگذار است، از این رو، در پژوهش حاضر به موانع فرهنگی و اجتماعی اجرای عدالت ترمیمی پرداخته شده است. در پژوهش‌های انجام گرفته، موانع اجرایی بررسی نشده است و از این رو، پژوهش حاضر انواع موانع و مشکلات بخصوص در مورد همه مجریان عدالت ترمیمی از جمله ضابطان، قضات دادسرا و دادگاه، با روش پیمایشی و در مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی را بررسی نموده است. پژوهش حاضر

1- Witvelt

2- Bergseth & Boufard

از نظر جامعه آماری و حجم نمونه (ضابطان، قضات دادسرا و دادگاه یک استان) با سایر پژوهش‌ها متفاوت است. مفهوم‌سازی موانع اجرای عدالت ترمیمی، سنجش آن با عوامل فرهنگی و اجتماعی که از طریق مطالعات نظری و مصاحبه با جامعه آماری استخراج شده، از نوآوری‌های این پژوهش است.



شکل 1. مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی¹، از نظر وسعت، پهنانگر² و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی³ است. جامعه آماری این پژوهش کلیه ضابطان آموزش‌دیده نیروی انتظامی استان اصفهان به تعداد 1700 نفر، قضات شاغل در دادسراهای عمومی و انقلاب استان اصفهان به تعداد 700 نفر و قضات شاغل در دادگاه‌های جزایی استان اصفهان به تعداد 400 نفر می‌باشند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق غیراحتمالی از نوع سهمیه‌ای بوده است. تعداد حجم نمونه براساس فرمول کوکران با بیشترین حجم (دقت برآورد $d = 0/05$).

1- Applied
2- Extensive
3- Cross Sectional

حداکثر واریانس $pq = 0/25$ و سطح اطمینان 95 درصد) مشخص شده است به نحوی که از 22 شهرستان استان اصفهان، 280 نفر از ضابطان دادگستری، 45 نفر مقامات قضایی دادسرا و 34 نفر مقامات قضایی دادگاه‌ها می‌باشند. ابزاری که در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود، پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنجگانه لیکرد جمع‌آوری شده است. اعتبار تحقیق از نوع سازه، صوری و روایی هر یک از مفاهیم مورد بررسی از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از توزیع فراوانی، درصد نسبی و میانگین توصیف و پس از آزمون نرمالیته کولموگروف-اسمیرونف از طریق آزمون‌های ناپارامتریک (کراسکال والیس، همبستگی پیرسون) تحلیل شده است.

جدول 1. ضریب آلفای کرونباخ شاخص‌های اصلی پژوهش

مفاهیم	ضریب آلفای کرونباخ ضابطان	ضریب آلفای کرونباخ قضات دادسرا	ضریب آلفای کرونباخ قضات دادگاه
عدالت ترمیمی	0/70	0/51	0/57
موانع اجتماعی	0/68	0/56	0/81
موانع فرهنگی	0/58	0/79	0/91

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

شرکت‌کنندگان در این پژوهش 359 نفر از ضابطان، قضات دادسرا و دادگاه می‌باشند که در این قسمت به ویژگی‌های آنها اشاره می‌شود.

جدول 2. توصیف سن و سمت مجریان عدالت ترمیمی

متغیر	ضابطان		قضات دادسرا		قضات دادگاه	
	طبقات	میانگین	طبقات	میانگین	طبقات	میانگین
سن	-	33/52	-	33	-	34/79
سمت	رئیس	12/5	دادستان	4/4	رئیس شعبه کیفری 1	50
	معاون	8/5	معاون دادستان	8/9	رئیس شعبه کیفری 2	20/6
	افسر نگهبان و قضایی	14/3	بازپرس	33/3	رئیس شعبه اطفال 1	5/9
	نیروی اجرایی	51/5			رئیس شعبه اطفال 2	14/7
	نیروی اداری	13/2	دادیار	53/3	رئیس یا مستشار تجدید نظر	8/8

در این پژوهش قضات دادگاه بیشترین میانگین سنی دارند. نیروی اجرایی پلیس بیشترین سمت را دارد، اغلب قضات دادسرا، دادیار هستند و بیشتر قضات دادگاه، رئیس شعبه کیفری 1 هستند.

جدول 3. توزیع درصدی و میانگین نگرش مجریان به گویه‌های اجرای عدالت ترمیمی

ضابطان						
شاخص	اصلاً	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
تأمین امنیت بزه‌دیده	5/7	11/1	27/9	34/6	18/9	3/46
جمع‌آوری مناسب ادله صحنه جرم	1/4	16/9	47/8	28/4	5/4	3/19
قبول شکایت در همه وقت	1/1	22/1	18/8	38/2	19/9	3/53
آگاهی دادن خدمات مشاوره‌ای	3	35	33/1	24/3	4/6	2/92
ذکر ضرر و زیان در گزارش به مراجع قضایی	12	24/4	32	26/5	5/1	2/88
پرداخت هزینه تعقیب و تحقیق توسط شاکیان	40/1	16/1	26/6	15/3	1/8	2/22
قضات دادسرا						
مصالح بزه‌دیده در صدور قرار تأمین	-	13/3	31/1	40	15/6	3/57
دستور اقدامات تأمینی برای حفاظت از بزه‌دیده	24/4	37/8	4/4	20	13/3	2/60
قبول شکایت بزه‌دیده بعد از وقت اداری	2/2	15/6	26/7	37/8	17/8	3/53
ارجاع پرونده به میانجی‌گری کیفری	24/4	22/2	42/2	8/9	2/2	2/42
آگاهی دادن بزه‌دیده از جرائم کشف شده	11/1	15/6	46/7	24/4	2/2	2/91
جبران ضرر و زیان بزه‌دیده با قرار تأمین خواسته	-	55/6	17/8	24/4	2/2	2/73
اعتراض بزه‌دیده به قرارهای نهایی دادسرا	-	6/7	8/9	62/2	22/2	4
قرار دادن مترجم و کارشناس برای بزه‌دیده	17/8	42/2	22/2	17/8	-	2/4
آگاهی دادن بزه‌دیده از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد	8/9	60	24/4	6/7	-	2/28
قضات دادگاه						
مرخصی به زندانیان برای جلب رضایت بزه‌دیده	-	2/9	64/7	11/8	20/6	3/50
اولویت جبران خسارت بزه‌دیده از محل تأمین	8/8	41/2	26/5	23/5	-	2/64
رسیدگی به ضررهای معنوی و ممکن الحصول	67/6	17/6	14/7	-	-	1/47
قرار دادن وکیل معاضدتی برای بزه‌دیده	-	32/4	41/2	23/5	2/9	2/97
تأثیر درخواست بزه‌دیده برای تشدید مجازات متهم	8/8	38/2	52/9	-	-	2/44
تأثیر درخواست بزه‌دیده برای تخفیف مجازات متهم	-	17/6	23/5	47/1	11/8	3/52

برابر یافته‌های جدول فوق، بیشترین شاخص مفهوم اجرای عدالت ترمیمی از نظر ضابطان، «قبول همه وقت شکایت بزه‌دیده» و از نظر قضات دادسرا، «در نظر گرفتن مصالح بزه‌دیده در هنگام صدور قرارهای تأمینی» و از نظر قضات دادگاه، «تأثیر درخواست بزه‌دیده برای تخفیف مجازات متهم» می‌باشد.

جدول 4. توصیف مفاهیم میزان اجرای عدالت ترمیمی، موانع اجتماعی و موانع فرهنگی از دیدگاه

مجریان					
مفاهیم	مجریان	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین
عدالت ترمیمی	ضابطان	280	1/60	4/80	3/28
	قضات دادسرا	45	2/22	3/89	2/94
	قضات دادگاه	34	2	3/50	2/75
موانع اجتماعی	ضابطان	280	2/13	3/88	3/10
	قضات دادسرا	45	1	5	2/38
	قضات دادگاه	34	1/75	3/71	2/89
موانع فرهنگی	ضابطان	280	1/22	3/78	2/63
	قضات دادسرا	45	1/96	3/56	2/77
	قضات دادگاه	34	1/27	3/38	2/49

با توجه به داده‌های مندرج در جدول فوق، نگرش مجریان به اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی بیش از حد متوسط است و در این میان، ضابطان نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی دارند و قضات دادگاه کمترین نگرش مثبت به اجرای عدالت ترمیمی دارند. میانگین موانع اجتماعی مجریان بیش از حد متوسط است و در این میان، ضابطان بیشترین موانع اجتماعی نسبت به قضات دادسرا و دادگاه، در اجرای عدالت ترمیمی دارند. میانگین موانع فرهنگی مجریان بیش از حد متوسط است و در این میان، قضات دادسرا بیشترین موانع فرهنگی نسبت به سایر مجریان، در اجرای عدالت ترمیمی دارند.

ب) یافته‌های استنباطی

قبل از انجام تحلیل‌های استنباطی، به منظور انتخاب آمارهای پارامتریک یا ناپارامتریک، برخی پیش شرط‌های استفاده از آزمون‌ها مورد توجه قرار گرفت. از جمله پیش شرط استفاده از آزمون‌های پارامتریک، نرمال بودن توزیع متغیرها در جامعه آماری مورد بررسی است. بررسی آزمون کولموگروف-اسمیرونوف، نشانگر آن است که

بیشتر متغیرهای مورد بررسی، وضعیت غیر نرمال در جامعه آماری دارند از این روی ترجیح داده شد از آزمون‌ها ناپارامتریک در بخش استنباط استفاده شود. بر مبنای آزمون کراسکال والیس، نگرش به میزان اجرای عدالت ترمیمی برحسب سنوات خدمت ضابطان متفاوت است و ضابطان با سنوات خدمتی کمتر دارای نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی در جامعه دارند. در سایر موارد همانند سمت و تحصیلات و نیز سایر گروههای مورد مطالعه، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول 5. مقایسه میانگین عدالت ترمیمی برحسب ویژگی‌های مجریان از طریق آزمون کراسکال والیس و پس آزمون من ویتنی

مفاهیم	ضابطان		قضات دادسرا		قضات دادگاه	
	ضریب	معنی‌داری	ضریب	معنی‌داری	ضریب	معنی‌داری
سمت	3/196	0/526	5/600	0/133	2/650	0/618
تحصیلات	1/605	0/658	0/011	0/916	0/975	0/323
سنوات خدمتی	13/468	0/004	3/959	0/266	1/796	0/616

از طرفی به منظور آزمون رابطه وضعیت نگرش به اجرای عدالت ترمیمی و برخی متغیرهای ترتیبی، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. در جدول زیر نتایج برخی از آن روابط آورده شده است.

جدول 6. همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای زمینه‌ای متولیان و نگرش به اجرای عدالت ترمیمی

مفاهیم	ضابطان		قضات دادسرا		قضات دادگاه	
	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری
سن	0/048	0/430	-0/384	0/009	-0/034	0/851
سنوات خدمتی	-0/105	0/080	-0/164	0/283	-0/067	0/705
آشنایی به حقوق شهروندی	-0/024	0/695	-0/064	0/674	0/088	0/620
آشنایی به قانون آیین دادرسی کیفری	0/158	0/008	-	-	-	-

یافته‌های جدول فوق حاکی است که هرچه آشنایی ضابطان به قانون آیین دادرسی کیفری بیشتر می‌شود نگرش آنان به اجرای عدالت ترمیمی مثبت‌تر می‌شود و نیز قضات جوان‌تر، نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی دارند.

همچنین به منظور آزمون فرضیات اصلی تحقیق نیز از آزمون اسپیرمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول 7. همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی با نگرش به اجرای عدالت ترمیمی

قضات دادگاه		قضات دادرسی		ضابطان		متغیرهای تحقیق
Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	
0/008	-0/449	0/691	-0/061	0/002	-0/180	موانع اجتماعی
0/317	-0/177	0/314	0/154	0/000	0/400	نگرش به مجرمیت متهمان
0/044	-0/348	0/094	-0/253	0/000	-0/229	گرایش به رویکرد امنیت مدار
0/402	-0/149	0/159	0/214	0/214	-0/74	وجود ملاحظات سیاسی و اجتماعی
0/009	-0/439	0/039	-0/308	0/000	-0/335	ضعف تربیت و آموزش
0/796	-0/046	0/779	-0/043	0/000	-0/478	موانع فرهنگی
0/546	-0/107	0/917	0/016	0/000	-0/553	عدم تناسب فرهنگ مادی و معنوی
0/933	0/015	0/261	-0/171	0/587	0/033	تقلید و بی توجهی به زیرساخت فرهنگی
0/928	-0/016	0/974	-0/005	0/000	-0/231	کمبود سرمایه فرهنگی

یافته پژوهشی جدول فوق بیانگر آن است که:

- هرچه ضابطان به وجود برخی موانع اجتماعی (از جمله مجرمیت متهمان، گرایش به رویکرد امنیت مدار و ضعف تربیت و آموزش مجریان قانون) نگرش مثبت تری پیدا می کنند، نسبت به اجرای عدالت ترمیمی منفی تر می شوند. از طرفی افزایش برخی موانع فرهنگی (همانند عدم تناسب فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی و کمبود سرمایه های فرهنگی) با نگرش آنها به اجرای عدالت ترمیمی رابطه ای معکوس و غیر مستقیم دارد.
- افزایش موانع اجتماعی (همانند گرایش به رویکرد امنیت مدار و ضعف تربیت و آموزش مجریان قانون) در بین قضات دادگاه، نگرش آنان به اجرای عدالت ترمیمی در جامعه را منفی تر می کند. اما نگرش آنها به موانع فرهنگی با نگرش آنها به میزان اجرای عدالت ترمیمی ارتباط معنی داری ندارد.
- در بین قضات دادرسی رابطه ای بین موانع اجتماعی و نیز موانع فرهنگی با وضعیت نگرش آنها به اجرای عدالت ترمیمی در جامعه مشاهده نمی شود. اگر چه کم رنگ بودن عنصر تربیت و آموزش قضات دادرسی به عنوان یکی از شاخص های موانع اجتماعی با نگرش آنان به اجرای عدالت ترمیمی رابطه معکوس و غیرمستقیم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، نگرش به مجرمیت متهمان، گرایش به رویکرد امنیت‌مدار، وجود ملاحظات سیاسی و اجتماعی و ضعف تربیت و آموزش، مهم‌ترین موانع اجتماعی؛ عدم تناسب فرهنگ مادی و معنوی، تقلید و بی‌توجهی به زیرساخت‌های فرهنگی و کمبود سرمایه فرهنگی، به عنوان موانع فرهنگی شناسایی شدند. با وجود این که همه مجریان نگرش مثبتی به اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی دارند، ضابطان بیشترین موانع اجتماعی و قضات دادر، بیشترین موانع فرهنگی را دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش مهدی‌زاده پایدار و عظیم‌زاده (1396) همسو است، زیرا با اجرای نهادهای ترمیمی قانون آیین دادرسی کیفری، نمی‌توان شاهد بهتر شدن اجرای عدالت ترمیمی بود. این یافته با نتیجه پژوهش نجفی و همکاران (1397) همسو است و با روبه قضایی فعلی ایران، عدالت ترمیمی کارایی چندانی ندارد.

برابر یافته‌های پژوهشی، با افزایش موانع اجتماعی، نگرش ضابطان و قضات دادگاه به اجرای عدالت ترمیمی منفی‌تر می‌شود. این یافته، فرضیه پژوهش در مورد ضابطان و قضات دادگاه را تأیید و در مورد قضات دادر رد می‌کند. این نتیجه با نظریه برچسب‌زنی و فشار قابل توجه است. بر مبنای نظریه برچسب‌زنی، نوع و ماهیت شغلی مجریان منجر به تغییر نگرش آنها به بزهکاران می‌شود و همواره سعی در مجرمیت آنها به جای ارائه زمینه‌های عدالت ترمیمی دارند. بر مبنای نظریه فشار، کمبود ابزارهای لازم برای اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی منجر به نگرش منفی مجریان به اجرای آنها می‌شود. به نظر می‌رسد ساختار سازمانی، کثرت و تنوع مأموریت‌های ضابطان در کنار کمبود امکانات، موانع اجتماعی ایشان را بیش از سایر متولیان نمایان ساخته است. این نتیجه با نتیجه پژوهش فرهمند و آقای‌نیا (1395) همسو است و عدالت ترمیمی زمانی مفید است که مورد پذیرش مقامات قضایی واقع شود. این یافته با نتیجه پژوهش مقدسی و همکاران (1397) همسو است و موفقیت پلیس در عدالت ترمیمی، مستلزم تغییر نگرش و ساختار آنان است.

برابر یافته‌های پژوهشی، با افزایش موانع فرهنگی، نگرش ضابطان به اجرای عدالت ترمیمی منفی‌تر می‌شود. این یافته، فرضیه پژوهش در مورد ضابطان را تأیید و در مورد

سایر مجریان را رد می‌کند. این یافته با نظریه تاخر، اشاعه و سرمایه فرهنگی قابل تبیین است. بر مبنای نظریه تأخر فرهنگی، اجرای زمینه‌های جدید عدالت ترمیمی نیازمند فرهنگ‌سازی، آموزش و توجیه ضابطان قبل از اجرای آن دارد و عدم مشارکت ضابطان در پیش‌نویس این قانون و عدم فرهنگ‌سازی، نگرش آنان را به اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی منفی نموده است. بر مبنای نظریه اشاعه فرهنگی، تقلید برخی نوآوری‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری که زمینه‌های مشابه دارند و یا زیرساخت‌های لازم اجرایی ندارند، نگرش منفی ضابطان را بدنبال خواهد داشت. بر مبنای نظریه سرمایه فرهنگی، اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی نیازمند مهارت و آموزش ضابطان است و عدم مهارت، ارائه مدرک و وجود ابزارهای فرهنگی، اجرای زمینه‌های عدالت ترمیمی توسط ضابطان را با مشکل مواجه نموده است. این نتیجه با یافته بارانی (1396) همسو است و پلیس با وجود نداشتن اختیارات قانونی مکفی، نداشتن ساختار و سازمان مناسب، آموزش‌های نوین و شیوه‌نامه اجرایی، با دانش تجربی خود به میانجی‌گری پرداخته و نیاز به تقویت تقنینی، اجرایی و آموزشی دارد. این نتایج با یافته‌های سنگانه و همکاران (1397) همسو است. در پژوهش ایشان، مشکلات تقنینی، زیرساختی، فرهنگی و سازمانی ضابطان، مانع اجرای مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش درویشی و میرزاخانی (1397) همسو است. در پژوهش ایشان، بازنگری و تقویت متغیر اعتمادسازی در برنامه‌های عدالت ترمیمی نیاز است.

در بررسی متغیرهای زمینه‌ای مشخص شد، قضات جوان دادسرا نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی دارند و می‌توان نتیجه گرفت جوان‌گرایی قضات دادسرا می‌تواند اجرای عدالت ترمیمی را تسهیل نماید. در این زمینه ضابطان آگاه به قانون آیین دادرسی کیفری نگرش مثبت‌تری به اجرای عدالت ترمیمی دارند و می‌توان نتیجه گرفت در اجرای عدالت ترمیمی نیاز است آگاهی ضابطان افزایش یابد.

پیشنهادها

- با توجه به ضعف تربیت و آموزش (موانع اجتماعی)، کمبود سرمایه فرهنگی (موانع فرهنگی) و تأثیر آگاهی ضابطان بر اجرای عدالت ترمیمی، پیشنهاد می‌شود:

الف) دوره‌های آموزشی اختصاصی در خصوص موارد پیش‌بینی شده عدالت ترمیمی قانون آیین دادرسی کیفری در سرفصل‌های آموزشی مجریان بخصوص ضابطان گنجانده شود؛ ب) دوره‌های ضمن خدمت کوتاه‌مدت و بلندمدت برای مجریان عدالت ترمیمی بطور اختصاصی اجرایی شده و با سرفصل‌های مربوط به عدالت ترمیمی، مهارت مجریان ارتقاء یابد؛ ج) یکی از شرایط انتصاب روسای کلانتری، پاسگاه و پلیس‌های تخصصی و یا بخش‌هایی که با حقوق شهروندی ارتباط دارند، تحصیل مدرک و طی دوره‌های عدالت ترمیمی تعیین شود؛ د) ادامه تحصیل کیفی و مرتبط با عدالت ترمیمی، برای مسئولان و مجریان الزامی شود؛

- با توجه به تأثیر موانع اجتماعی ضابطان و قضات دادگاه بر اجرای عدالت ترمیمی پیشنهاد می‌شود: الف) کلاس‌های آموزشی توسط جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و اساتید علمی دانشگاهی در جهت تبیین عدالت ترمیمی و رفع موانع اجرایی برای مجریان برگزار شود؛ ب) جلسات تعاملی بین ضابطان و مقامات قضایی دادسرا و دادگاه بصورت کاربردی و هفتگی، به منظور رفع ابهامات و موانع اجرایی عدالت ترمیمی برگزار شود؛ ج) از تجربه سایر کشورهای مشابه برای رفع موانع اجرایی عدالت ترمیمی بهره‌گیری شود؛ د) پلیس قضایی با ساختار مستقل تشکیل شود و با مدیریت یکپارچه، از اعمال نفوذ شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در اجرای عدالت ترمیمی جلوگیری شود.

تقدیر و تشکر

در پایان پژوهش‌گران بر خود لازم می‌دانند از همکاری‌های دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اصفهان، روسای دادگستری‌ها و دادستان‌های محترم شهرستان‌های استان اصفهان به ویژه شهرستان کاشان و ضابطان، قضات دادسرا و دادگاه شرکت‌کننده در این پژوهش تقدیر و تشکر نمایند.

- ابراهیمی، نصیبه؛ کلانتری، کیومرث و صفری کاکرودی، عابدین (1397). تبیین نقش پلیس ترمیمی در شرمساری پیشگیرانه از تکرار جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره دوم، تابستان، صص 229-250. بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_94589.html
- آرون، ریمون (1396). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، چاپ دوازدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- آشوری، داریوش (1397). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات آگاه.
- بارانی، محمد (1396). پلیس و میانجی‌گری کیفری مورد مطالعه کلانتری‌های تهران. فصلنامه مطالعات دانش انتظامی، سال 19، شماره 3، صص 121-146. بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20180210173649-9967-91.pdf>
- بریث ویت، جان (1385). عدالت ترمیمی. ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 43، صص 521-570. بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20100912161309>
- درویشی، صیاد و میرزاخانی، عبدالرحمن (1397). تأثیر اقدامات ترمیمی پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم با نقش میانجی اعتمادسازی. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان، صص 51-74. بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_108535.html
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل؛ آقاییاری، مهدی و قلی‌پور، غلامرضا (1394). نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی. فصلنامه حقوق کیفری، سال سوم شماره یازدهم، صص 85-112. بازیابی از:
http://jclr.atu.ac.ir/article_1446_0f9e47bae2fe964d78104932efbcd187
- زهر، هوارد (1388). عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ساروخانی، باقر (1380). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- سام آرام، عزت‌الله؛ حسینی حاجی بکنده، سید احمد و موسوی چلک، حسن (1397). سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 55، پاییز، صص 67-98. بازیابی از:
http://sss.jrl.police.ir/article_92108.html

— سلیمی، اکبر؛ دیانت، محسن و سیاح البرزی، هدایت‌الله (1398). ارزیابی عملکرد پلیس در تحقق عدالت ترمیمی با محوریت مشاوره و مددکاری. نشریه علمی انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز، صص 25-44. بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_92940.html

— سنگانه، رحمان؛ زراعت، عباس؛ گنجی، محمد و خسروشاهی، قدرت‌الله (1397). تحلیل تکالیف پلیس نسبت به عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری. همایش ملی پلیس، عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین.

— صالحی امیری، سیدرضا (1395). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. چاپ هفتم، تهران: نشر ققنوس.

— صدیق سروستانی، رحمت‌الله (1398). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ هشتم، تهران: نشر سمت.

— غلامی، حسین (1398). عدالت ترمیمی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

— فرهمند، مجتبی و آقایی‌نیا، حسین (1395). «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفری در قانون مجازات اسلامی». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال 18، صص 65-87. بازیابی از:

http://pok.jrl.police.ir/article_11422.html

— گیدنز، آنتونی (1399). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، چاپ پانزدهم، تهران: نشر نی.

— مقدسی، محمد باقر؛ میرزایی، محمد و غنی، کیوان (1397). «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران». پژوهش نامه حقوق کیفری، سال نهم شماره اول، صص 187-214. بازیابی از:

https://jol.guilan.ac.ir/article_2890.html

— مهدیزاده پایدار، مهدیه و عظیم‌زاده، شادی (1396). «بایسته‌های میانجی‌گری کیفری در بوته سیاست تقنینی نوین ایران (با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌ی میانجی‌گری کیفری)». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره 43، صص 151-185. بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_19211.html

— نجفی، زینب؛ حسنی ساطحی، حسین؛ سرکانی، حمید و فنازاد، رضا (1397). عدالت ترمیمی در پرتو مسئولیت مدنی ضابطین. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره سوم، پاییز، صص 199-224. بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_105671.html

— وایت، راب و هینس، فیونا (1387). درآمدی بر جرم‌شناسی. ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.

– Bergseth, J.Kathleen & Boufard , A.Jeffrey (2007), The long term impact of restorative justice programming for juvenile offenders, journal of criminal justice, (35), pp.433-451.

<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.491.2098>

– Bourdieu, P. (1977). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, Cambridge:Harvard University Press.

– Witvelt, V.O. Charlotte, Et al (2008), Retributive justice, restorative justice, and forgiveness: An experimental psychological analysis, *Journal of Experimental Social Psychology*, (44), pp.2-10.

<https://www.researchgate.net/publication/223545326>

Archive of SID